

واکنش کیفری به قتل عمد در تمدن بین‌النهرین

(نوع مقاله، علمی - پژوهشی)

همید علیزاده^۱

چکیده

تمدن بین‌النهرین کلیدی‌ترین تمدن مدون بشری است. در این تمدن کهن با وسیع‌تر شدن جامعه مدنی برای حفظ حکومت و نظم جامعه، مجموعه قوانین مدونی برای اولین بار در طول دوران حیات بشر تدوین گردید. در این قانون‌نامه‌ها، مجموعه جرایمی با مجازات خاص معین شد. قتل دیگری به نحو عمد با مجازات کیفرمرگ که یکی از این جرایم با اهمیت و اساسی بود، برای اولین بار رابطه خاصی بین بزه‌دیده، جرم و بزه‌کار را شکل داد. زیرا مبتنی بر انتقام و سازگاری با طبیعت انسان بود. در ابتدای مقررات قتل، مجازات کیفر مرگ و سپس مجازات قصاص به عنوان مجازات اصلی این جرم تعیین شد. اما با پدیدار شدن روابط اجتماعی و تاسیس نهاد اصل ارزش‌گذاری، شکل‌گیری داد و ستد، یعنی رابطه بدهکار و طلبکار قانون خسارت مالی یا فدییه وارد مجموعه قوانین کیفری شد. لذا اولین مجازات قتل عمد، کیفرمرگ، قصاص و سپس فدییه مقرر شد، هر چند در تقدم و تاخر این دو اختلاف نظر وجود دارد. این قانون‌نامه‌ها از نارسایی‌ها و تبعیض‌های اساسی رنج می‌برد، اما به دلیل آنکه از اولین قانون‌نامه‌های بشر به شمار می‌آیند، پیشرفت عظیمی در قانون‌گذاری تلقی می‌شوند. از این رو در این مقاله به بررسی مجازات قتل عمد که از مهم‌ترین و چالشی‌ترین جرایم بشر نه تنها در ادوار گذشته، بلکه در جامعه امروز نیز به شمار می‌آید در تمدن بین‌النهرین می‌پردازیم.

کلیدواژه‌ها: مجازات‌ها، قتل عمد، قصاص، فدییه، قانون‌نامه‌ها، تمدن بین‌النهرین.

بررسی تاریخ مقررات حقوق کیفری درخصوص جرایم درعصرهای متفاوت موجب شناخت کامل و درک نحوه شکل‌گیری آنها و بررسی پشتوانه مبانی و شالوده‌های اساسی و بررسی تحولات آنها است. تحولاتی که روز به روز از تاریخ خود درس عبرت گرفته و با توسعه آن مقررات و دانش‌افزایی موجب کامل نمودن نارسایی‌ها و چالش‌ها و رفع ابهام‌ها برای جامعه مدنی است. از سوئی مطالعات حقوق کیفری، ثبات و استمرار برخی از جرایم مانند قتل را برای ما نمایان می‌کند. جرم و مجازات از جمله اموری است که همواره از همان ابتدای خلقت انسان وجود داشته است و انسان تا عصر کنونی نیز با آن دست و پنجه نرم می‌کند. اولین قتل عمد بنا بر گواه تاریخ پسران آدم بودند. در این جنایت، قابیل هابیل را به قتل رساند (مجلسی، ۱۳۶۲: ۲۳۰). از این رو مسئله قتل عمد مسئله امروزی نیست بلکه به قدمت خود انسان بر می‌گردد. در این نوشتار که در ادامه بیان می‌شود در خصوص مقررات قتل عمد در تمدن بین‌النهرین بحث خواهد شد. بین النهرین، به معنای واقعی کلمه سرزمین بین رودخانه‌ها، بین دجله و فرات، عمدتاً در عراق کنونی قرار دارد (Ellickson and Thorland, 1995: 328). تمدنی که به دلیل وجود مجموعه قوانین آن، از اهمیت مهمی برخوردار است. در این مجموعه قوانین مقرراتی در خصوص قتل عمد و مجازات آنها بیان شده است. قتل همواره در طول تاریخ انسان از اهمیت مهمی برخوردار بوده است و از جمله جرایمی است که همیشه با واکنش‌های شدیدی همراه بوده است. بشر برای حق حیات انسان همواره حرمت خاصی قائل است، از این رو است که خداوند در قرآن کریم کشتن یک شخص را به مثابه کشتن همه انسان‌ها تلقی کرده است (مائده، آیه، ۳۲). بنابراین، سلب حیات دیگری به نحو عمدی و نحوه کیفر جانی در طول تاریخ همواره محل چالش بوده است. زیرا قتل، انسان را از عزیزترین دارایی وی، یعنی حق حیات، محروم می‌سازد و تنها جرمی است که صدمه ناشی از آن غیرقابل جبران است (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۸: ۱۹) بشر برای انواع جرایم و مجازات آنها، با طبقه‌بندی جرایم مبنای کیفر را معین می‌کند. این اصل اساسی که امروزه لازمه حقوق کیفری است تناسب بین جرم و مجازات (متسکیو، ۱۳۹۱: ۳۰۵)، نامیده می‌شود، موجب می‌شود با توجه به

شدت و آثار جرم مجازات خاصی تعیین گردد. در تمدن‌های بین‌النهرین برای مواجهه با قتل عمد مقررات کیفر مرگ، قصاص، خسارت مالی و نحوه اجرای کیفر در نظر گرفته شده است. اما اینکه برای اولین بار چه قانونی بر چه مبنای برای مجازات قصاص یا خسارت مالی مقرر گردید یا اینکه اعمال کیفر قصاص و خسارت مالی یا به نحو کلی کیفردهی قاتل بر چه توجیه‌های در آن زمان استوار بوده است؟ یا کدام کیفر، قصاص یا فدیة، بر دیگری مقدم یا متاخر است؟

مورخین بر این عقیده هستند حقوق کیفری برای رسیدن به مرحله تکامل خود پنج مرحله را پشت سر گذاشته است؛ ۱- عدم دولت و مسئله انتقام‌گیری خصوصی. ۲- پدیدار شدن قانون قصاص. ۳- خرید قصاص (خسارت مالی یا فدیة). ۴- تحمیل دیة. ۵- جنبه عمومی جرم (اشرافی و ایروانیان، ۱۳۹۷: ۱۴۱-۱۴۰). از این‌رو در دوره اول تا مدت‌ها جرم و مجازات تابع قانون خاصی نبوده است، بلکه با گذشت زمان و ایجاد تعاون اجتماعی رفته‌رفته قواعدی به وجود آمد (صبوری‌پور و خلیل‌زاده، ۱۳۹۷: ۲۲۸). برخی نیز بیان نموده‌اند که قدمت حقوق به اندازه قدمت جامعه جمعی است (Westbrook, 2003: 1). بدین معنا که در همان جوامع ابتدایی نیز مقرراتی وجود داشته است. لیکن از زمان ابداع خط مقررات حقوقی قابل مطالعه است. بر این اساس حدود ۵۰۰ سال بعد از ابداع خط، فرامین حقوقی به وجود آمده‌اند (Wilcke, 2007: 20). با این وجود به نظر می‌رسد آنچه در آن زمان مهم بوده است (قبل از ابداع خط و مطالعه فرامین حقوقی) بحث انتقام و شکل ابتدایی اجرای حق افراد بوده است هر چند این فرضیه مبتنی بر حدس و گمان است چه بسا مقررات پیشرفته‌ای قبل از ابداع خط وجود داشته است، اما به دلیل عدم کتابت ثبت نشده‌اند یا به صورت شفاهی نسل به نسل منتقل شده‌اند و بعدها به صورت نوشتار در آمده‌اند. از این رو اگر تعدی نسبت به افراد یا جامعه صورت می‌گرفت، ریش‌سفیدان قبیله با انتقام جمعی از آنها به تعدی‌ها پاسخ می‌دادند. لذا اصل شخصی بودن مجازات‌ها و اصل فردی بودن مجازات‌ها کاملاً مخدوش بوده است. بنابراین پس از گذر از دوره انتقام خصوص مجازات قتل عمد در ابتدا مبتنی بر اصل قصاص به مثل بود، اما رفته به رفته کیفرهای عینی از میان رفت و تاوان مالی (فدیة) جای آن را گرفت (دورانت، ۱۳۷۸: ۱۹۶).

حق حیات از اساسی‌ترین حقوق انسان‌ها است و برخی آن را شدیدترین صدمه بدنی به دلیل صدمه نهایی بودن، دانسته‌اند. از سوئی بررسی مجازات قتل عمد در نگاه تاریخی نیز حائز اهمیت است. زیرا این مقرر (مجازات قصاص) هنوز هم در کشورهای به مانند (ایران) و تا قرن ۱۸ به جرئت می‌توان گفت در اکثر کشورهای دنیا به عنوان مجازات اصلی قتل عمد اجرا می‌شود. از طرفی دیگر این سؤال به ذهن انسان نقش می‌بندد که آیا قانون کیفر مرگ و قصاص که در اولین مقرره‌های بشر (بنداول قانون‌نامه اور-نمو^۱، بند ۴۲ قانون‌نامه لیپیت-ایشتار^۲ و ماده ۱۹۶ و ۱۹۷ در خصوص قصاص عضو از قانون‌نامه حمورابی^۳) وجود داشته و تا عصر کنونی نیز اجرا می‌شود بر چه مبنای استوار است. از این‌رو، در این نوشتار برای درک این جرم از منظر تاریخ حقوق کیفری به بحث مجازات قتل عمد در تمدن‌های بین‌النهرین پرداخته می‌شود، تا به درک بهتر ریشه‌های شکل‌گیری مجازات قتل عمد در اولین قانون‌نامه‌های بشر و تاثیر آن بر حقوق کیفری بیانجامد. لذا در ابتدا به شناختی کلی از مهم‌ترین قانون‌نامه‌های تمدن بین‌النهرین پرداخته شده و سپس مبنای کیفر دهی قتل عمد مورد تحلیل قرار گرفته است. در ادامه شرایط قتل عمد و مجازات‌های مقرر در این تمدن‌ها مورد واکاوی قرار گرفته است.

۱- قانون‌نامه‌های تمدن بین‌النهرین

در ابتدا لازم است از مهم‌ترین قانون‌نامه‌های تمدن بین‌النهرین که شامل اور-نمو، لیپیت-ایشتار، اشنونا^۴، هیتی‌ها^۵، حمورابی و آشوری^۶ (نجفی‌ابرنندآبادی و بادامچی، ۱۳۹۴: ۲۲) است از منظر تاریخی برای درکی کامل از قلمرو و قواعد کلی آن مقررات شناخت کلی وجود داشته باشد. مضمون این قانون‌نامه‌ها مجموعه‌ای از قواعد و مقررات حقوقی است که غالب آنها مقررات

1. Ur-Namma.
2. Lipit-Ishtar.
3. Hammurabi.
4. Eshnunna.
5. Hittites.
6. Assyri.

روزمره و غیرمذهبی است. بدین معنا که حقوق عرفی را بیان می‌نمایند و مقررات آنها توصیفی است. در ادامه این قانون‌نامه‌ها مورد تحلیل قرار گرفته‌اند است.

۱-۱. قانون‌نامه اور-نمو و لیپیت - ایشتار

تا سال ۱۹۵۲ م. عقیده بر این بود که قانون اشنونا کهن‌ترین قانون مدون جهان بود (داس، ۱۳۸۰: ۸۳). اما در سال ۱۹۵۲ م. قانون‌نامه اور-نمو کشف و ترجمه شد که مربوط به پادشاه سومری به سال ۲۰۹۵-۲۱۱۲ ق.م است. این قانون به عنوان کهن‌ترین لوحه قوانین شناخته می‌شود (فرچزاده، ۱۳۹۴: ۴۵). از این قانون‌نامه تنها بخشی از مقدمه و برخی بندهای آن باقی مانده است. در این قانون‌نامه مجازات‌های مرگ بیشتر مورد توجه است (بند ۱، ۲ و ۶). با این وجود بندهای باقی مانده از آن مانند (بند ۱۳، ۲۸) به خسارت مالی اختصاص دارد. این قانون‌نامه تنها قانون‌نامه‌ای است که به صورت صریح و روشن به مجازات قتل پرداخته است. در بند اول این قانون‌نامه مقرر گردیده: اگر مردی مرتکب قتل شود، باید آن مرد را بکشند (ازدجینی، ۱۳۹۵، ۷). از این رو، مجازات قتل در این قانون‌نامه کیفر مرگ است. اما به صورت صریح معلوم نیست که چه نوع قتلی را مد نظر دارد. آیا هر قتلی براساس این ماده مستوجب مرگ است.

قانون لیپیت - ایشتار: این فرمان مربوط به (۱۹۲۴-۱۹۳۴) قبل از میلاد مسیح است. نام این قانون از نام پادشاه شهر ایسین^۱ گرفته شده است که یک مقدمه و چندین بند از آن باقی مانده است (Roth, 1995: 23). مقدمه این قانون مشتمل است به خودستایی پادشاه درباره لطف و کرمش نسبت به شهروندان سومر و خود را احیاگر عدالت و نظم اجتماعی می‌داند. این فرمان بیشتر مربوط به امور مدنی و قوانین کار، روزمره است و درخصوص مقررات کیفری تنها در بند اول و سوم مقرر داشته: اگر کسی زنی را مضروب نماید و اگر او بمیرد آن مرد کشته می‌شود. البته در توضیح این بند بیان شده که مربوط به غیر شوهر است که به زن تجاوز کند و زن بمیرد آنگاه او

1. Isin.

کشته می‌شود (Ibid:35). بنابراین در این فرمان در خصوص مجازات قتل عمد کیفر مرگ را در نظر گرفته است. لیبیت - ایشتار و قانون دوره آشوری در زمینه مقررات کیفری کمتر مورد توجه است.

۱-۲. قانون نامه اشنونا

قانون نامه اشنونا متعلق به یکی از پادشاهان اشنونا به نام ددوشا^۱ است که تاریخ تقریبی آن به سال ۱۷۷۰ قبل از میلاد است (داس، ۱۳۸۰: ۸۳). این قانون نامه راجع به مقرراتی در خصوص مسئولیت مدنی و کیفری است. بندهای این مقررات به مسائل کشاورزی، حقوق کار، اجاره قایق و گاریچی، سرقت، جراحات جسمانی، موجبات ضمان، امانت، جرایم جنسی و در بند ۲۶ این قانون نامه در خصوص ازاله بکارت، مجازات اعدام در نظر گرفته است. از سوئی دیگر در بند ۴۸ این ماده مقرر داشته رسیدگی به دعوایی که مستوجب مجازات مرگ باشد تنها در صلاحیت پادشاه است. اما در این قانون نامه همان طور که بیان شد تنها در خصوص ازاله بکارت مجازات مرگ در نظر گرفته است. از این رو به دلیل مهم بودن دعاوی که مجازات آنها در این قانون نامه مرگ است انحصار رسیدگی به پادشاه است که یک مزیت مهم به شمار می‌آید. در خصوص مجازات قتل عمد ماده ۴۴ و ۲۳ به مرگ دیگری اشاره کرده‌اند. اما اینکه آیا مجازات قتل عمد یا به نحو کلی کشتن دیگری آیا مشمول بند ۴۸ می‌شود یا خیر؟ دو نظر را می‌توان بیان نمود. ۱- اینکه به دلیل اهمیت سلب حیات دیگری و محترم شمردن نفس انسان همواره در طول تاریخ این نظر تقویت می‌شود که کشتن دیگری مشمول بند ۴۸، یعنی مجازات مرگ می‌شود. ۲- دوم اینکه با توجه به عدم پذیرش قصاص که در بندهای ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷ که در خصوص گاز گرفتن بینی، شکستن دست، انگشت، پا و قتل در جریان منازعه تنها خسارت مالی یا همان دیه در نظر گرفته شده است. از این رو این نظر تقویت می‌شود که قصاص در خصوص اعضا و نفس در نظر گرفته نشده است. با این وجود ماده ۴۸ جرایم که مستحق مرگ باشد را تنها در صلاحیت پادشاه دانسته است که تنها در ماده ۲۴ این قانون به کیفر مرگ اشاره کرده است. بنابر ماده ۴۴

1. Dadusha.

اگر کسی همسر یا فرزند مرد عامی (نه برده) را به عنوان تامین خواسته بگیرد و منجر به مرگ آنها شود، شخص به مرگ محکوم است. به نظر می‌رسد، که این قتل، قتل عمد باشد. زیرا به صورت متعارف این نوع قتل، قتل عمد محسوب می‌شود. اما ماده ۲۳ نیز در خصوص حبس کردن زن برده و مرگ او تنها مجازات به الزام تحویل دو برده به صاحب برده کرده است. بنابراین، مجازات قتل عمد در قانون اشنونا در خصوص افراد عامی کیفر مرگ و در خصوص بردگان الزام به تحویل دو برده است.

۱-۳- قانون نامه حمورابی^۱

یکی از مهم‌ترین قانون‌نامه‌های تمدن بین‌النهرین، قانون نامه حمورابی است. قانونی که مبتنی بر مذهب یا فرامین پادشاه نیست، بلکه متکی بر عرف و عادت و رعایت منافع جمعی تدوین شده است. برخی بیان نموده‌اند، «این قانون بزرگ به مدت پانزده قرن با همه‌ی تغییراتی که در کشور پیش می‌آمد نافذ بود، فقط در پاره‌ای از اوضاع و احوال تغییرات جزئی در آن داده می‌شد» (دورنت، ۱۳۷۸: ۱۹۶/۱). به عقیده برخی مجموعه قوانین حمورابی با توجه به زمان تدوین آن یکی از شاهکارهای تقنینی است (میلانی، ۱۳۸۷: ۱۶۲). با این وجود برخی بیان نموده‌اند که به دلیل شباهت قانون حمورابی به قانون اشنونا معتقدند که قانون حمورابی از قانون اشنونا بر گرفته است (Mieroop, 2007: 109). برخی دیگر قانون حمورابی را بر گرفته از قانون اور-نمو دانسته‌اند (امین، ۱۳۸۲: ۹۲). این مجموعه قوانین مشتمل بر ۲۸۰ ماده است. این قانون نامه در خصوص اتهام به قتل، قصاص عضو، شهادت کذب، خسارت مالی، دیه اعضا بدن، سرقت، اجاره‌بها، برده‌داری، اجرت کارگران، جرایم جنسی، احکام پزشکی، معماری و مقررات مربوط به کشاورزی و وسایل آن است. از این رو این قانون نامه مشتمل بر قوانین مدنی، تجاری و کیفری است. از سوئی در خصوص جرایم توسط قضات یا مامورین پادشاه نیز جرم‌انگاری صورت گرفته است. درحوزه

۱. مربوط به سال ۱۷۹۲ تا ۱۷۵۰ ق.م، است.

جرایم کیفری مقررات متعددی وضع شده است که در ادامه نوشتار در مورد قتل عمد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۴. قانون نامه هیتی‌ها

از میان تمدن‌های کهن و اقوام باستانی، تمدن هیتی‌ها یکی از برجسته‌ترین تمدن‌های شناخته شده‌ای است که در بررسی و مطالعه تاریخ این اقوام بدان بر می‌خوریم. این قانون نامه به سال ۱۵۰۰ تا ۱۶۵۰ ق.م است (Roth, 1995: 213). در این رژیم حقوقی طبقه‌بندی خاص هیتی نیز مشهود است که بر طبق این طبقه‌بندی و جنسیت بزه‌کار یا بزه‌دیده تعیین میزان مجازات مجرمان صورت می‌گرفت. قانون نامه‌ی هیتیایی شامل دویست بند است که بندهای ۱۱۴ تا ۱۱۸ و ۱۳۳ تا ۱۴۱ نیز مخدوش شده است. مقررات این قانون نامه مربوط به سرقت و فرار برده‌ها (مواد ۱۹ تا ۲۴)، سرقت حیوانات (مواد ۵۷ تا ۹۲)، قتل (مواد ۱ تا ۶) و صدمات بدنی (مواد ۷ تا ۱۸)، جرایم جنسی (مواد ۱۸۷ تا ۲۰۰)، ازدواج (مواد ۲۶ تا ۳۶)، اجرت و دستمزد (مواد ۱۲۱ تا ۱۴۴) و مقررات کشاورزی و کارگری است. در خصوص مقررات کیفری و قتل عمد در مواد ابتدایی این قانون نامه به نحو صریح مقرر گردیده است، اما در این قانون قصاص نفس و عضو وجود ندارد، بلکه دیه بر قصاص مقدم است. در ادامه بیشتر مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۲. مبنای کیفردهی مجازات قتل عمد

خاستگاه کیفر در پیشا تاریخ در دوره پارینه‌سنگی ریشه دارد که از رهگذر سازمان اجتماعی یا جمعی بودن نشئت گرفت. در این دوره، بزرگ قبیله با مشخص کردن مجرم یا عدم مجرم دانستن شخص قدرت و مشروعیت لازم برای کیفر را نیز در دست داشت. کیفر بخش جدایی‌ناپذیر هر نظریه حقوق جنایی است. کیفر عبارت است از وارد کردن درد و رنج به مجرم برای انجام جرم (هالوی، ۱۳۹۳: ۹). این تعریف مبتنی بر اندیشه‌های سزاده است. سزاگرایی کهن‌ترین بینش در پاسخ به جرم و توجیه کیفر محسوب می‌شود (اکبری و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۲). از این رو، قانون دادن مجوز اعمال کیفر بر مجرم به شخص زیان‌دیده، تجلی ابتدایی انتقام در بیشتر جامعه‌های انسانی در جهان باستان

بود (هالوی، ۱۳۹۳: ۳۲). این تجلی انتقام حتی در جامعه عصر کنونی نیز وجود دارد. برای نمونه دازدن، خون‌خواهی که بر مفهوم انتقام استوارند هنوز مشروع می‌انگارند (Donna, 1980: 409). به نظر می‌رسد با توسعه جامعه انسانی، حق انتقام و نحوه اجرای آن محدود و این حق در حقوق جنایی کنونی به دولت‌ها محول شد. اما اینکه آیا نظریه انتقام بخش جدایی‌ناپذیر کیفر در قانون‌نامه‌های تمدن بین‌النهرین است قابل دفاع است. زیرا از مواد قانونی این قانون‌نامه‌ها که اجرای مجازات را به بزهدیده محول کرده از خصایص اصلی نظریه انتقام به شمار می‌آید.

در حقوق آغازین بین‌النهرین کیفرهای متعددی وجود داشت. علاوه بر کیفر اعدام خسارت مالی جزو اصلی مجازات در این تمدن‌هاست. کیفر اعدام مرسوم‌ترین کیفر بود که با غرق کردن، آتش زدن، به سیخ کشیدن اجرا می‌شد. از این رو قانون‌نامه‌های تمدن بین‌النهرین باستان دوگونه کیفر را پذیرفته بودند؛ ۱- کیفرهای جسم‌بنیاد. ۲- کیفرهای مالی. در خصوص قتل عمد در قانون‌نامه‌های تمدن بین‌النهرین بیشتر گرایش به مجازات جسم‌بنیاد، کیفر مرگ یا قصاص است. مجازات قصاص افزون بر کارکرد ساختی خود که همانا پاک کردن جامعه از پلیدی و ناپاکی است کارکرد دیگری دارد که همانا مشخص نمودن شدت جرم از منظر جامعه است. هر چه تنفر جامعه از جرم بیشتر باشد مجازات آن نیز سنگین‌تر است. اعمال کیفر کارکرد طبیعی واکنش انسان به جرم در تمدن بین‌النهرین است. اصل اجرای عدالت نیز حاکی از این است که انتقام می‌بایست با صدمه متناسب باشد (Westbrook, 1988: 51)، که در حقوق امروزی تحت عنوان اصل تناسب جرم و مجازات شناخته شده است. از این رو قاعده قصاص متناسب با صدمه عمل می‌کرد. لذا به همین دلیل مورد پذیرش قرار گرفت. از سوی دیگر قصاص نه تنها انتقام را قاعده‌مند کرد، بلکه حق مجازات کردن و نحوه آن را مشخص نمود.

در قانون‌نامه‌های بین‌النهرین، سزادهی به عنوان مبنای گسترده و اصلی کیفردهی شناخته می‌شود. این برداشت از قاعده‌های ساده که در ماده ۲۰۰ (دندان در مقابل دندان) و ماده ۱۹۶ (چشم در مقابل چشم) قانون حمورابی قابل استنتاج است. اما در قانون‌نامه سومری استفاده از جبران خسارت را بر سزادهی جسمی برتری می‌دادند (هالوی، ۱۳۹۳: ۳۳). قانون‌نامه اشوننا سزادهی

جسمی را به عنوان کیفر مشروع به طور کامل رد می‌کرد (Yaron, 1998: 262-264). به نظر می‌رسد که قانون‌نامه اشوننا حتی از قانون‌نامه حمورابی که قبل‌تر از آن است پیشرفته‌تر است. زیرا جنبه سزادهی آن کمتر است. اما برخی سزادهی را مفهومی پیشرفته‌تر می‌دانند، زیرا معتقداند عدالت کیفری را بازتاب می‌دهد (Finkelstein, 1961: 98). اما به نظر می‌رسد سزادهی که همان جنبه حس انتقام است داشته مثبتی برای حقوق کیفری در بر نداشته باشد. زیرا رویکرد سزادهی گذشته‌نگر است.

به نظر می‌رسد، در بطن تاریخ انسان و شکل‌گیری روابط اجتماعی و ایجاد حقوق یا تدوین مجموعه قوانین کیفری (قانون‌نامه‌ها) میل انسان به قربانی کردن و تقدس آن موجب شکل‌گیری قانون قصاص و تقدس وجودی آن شده است. یا به دیگر سخن، کیفر مرگ با طبیعت انسانی سازگار است (بروکس، ۱۳۹۵: ۲۴۶). از سوی با شکل‌گیری روابط داد و ستد و اصل ارزش‌گذاری بر مبنای روابط تجاری فدییه نیز به مقررات کیفری در خصوص مجازات قتل عمد یا قتل به نحو کلی اضافه شد. از این‌رو، با توجه به مقررات کیفری در قانون‌نامه‌های بین‌النهرین به عنوان اولین قوانین مدون بشر، ابتدا مجازات کیفر مرگ و قصاص پذیرفته شد و سپس رفته‌رفته با توسعه روابط اجتماعی و کم‌رنگ‌شدن تعصبات انسان و شکل‌گیری روابط تجاری و اصل ارزش‌گذاری و کم‌رنگ‌شدن قانون قصاص به دلیل مجازات شدید و عدم پاسخ‌گویی به نیاز انسان که از دوره انتقام بر مبنای کیفر مرگ گذشته بود، و پر رنگ‌شدن ارزش جان انسان مقررات فدییه در کنار قصاص تثبیت شد.

۳- شرایط قتل عمد

در همه نظام‌های حقوقی شرایط و اوضاع و احوالی برای عمد شمردن قتل دیگری لحاظ نموده‌اند. این امر در قانون‌های باستان دور نمانده است که در ذیل به آنها می‌پردازیم.

در قانون نامه اشنونا مقررہ صریحی در خصوص قتل عمد وجود ندارد. اما از نحوه بیان ماده ۲۴ و ماده ۴۷ قانون اشنونا این گونه به ذهن می‌رسد که اگر کسی موجب مرگ دیگری از روی عمد شود، مستوجب کیفر مرگ است. از این رو، در قانون اشنونا با توجه به ماده ۲۴ و ۴۷، مجازات قتل دیگری کیفر مرگ است. اما با این وجود، ماده ۲۳ قانون اشنونا در خصوص مرگ کنیز در حالی که دیگری او را حبس کرده است، مجازات کیفر مرگ را در نظر نگرفته است، بلکه شخص را ملزم به پرداخت دوکنیز کرده است (راس، ۱۳۸۰: ۹). بنابراین به نظر می‌رسد، تمایز طبقاتی علت این امر باشد. زیرا در ماده ۲۴ نیز در صورتی که همسر یا فرزند دیگری را به عنوان تأمین خواسته بگیرد و موجب مرگ آنها شود، کیفر مرگ در نظر گرفته است.

بند یک قانون نامه اور - نمو مقرر داشته است: که اگر کسی دیگری را به قتل برساند، او کشته می‌شود. در مواد باقی مانده از این قانون در خصوص عمد یا غیر عمد بودن قتل سخنی به میان نیامده است. از این رو، به نظر می‌رسد، که با توجه به اطلاق این ماده صرف کشتن دیگری را مستوجب قصاص دانسته است. اما از سویی با توجه به دیگر مواد که به صورت عقلائی وضع شده است این نتیجه حاصل می‌شود که تفاوت بین جرم قتل عمدی و غیر عمدی وجود دارد و در خصوص جرم قتل غیر عمدی خسارت مالی در نظر گرفته است. قانون لیبیت - ایشتار در خصوص طبقه بندی قتل و به طور کلی در خصوص قتل ساکت است.

در قانون نامه هیتی‌ها مواد ۱ تا ۶ به قتل مجرمانه اختصاص دارد. در این قانون سه نوع قتل مطرح شده است، قتل عمد با سبق تصمیم (ماده ۵)، قتل عمد بدون سبق تصمیم (مواد ۱ و ۲) و قتل غیر عمدی (مواد ۳ و ۴). قتل با عنوان کشتن دیگری بیان شده که حاکی از ارادی بودن است، چراکه در ماده‌ی دیگر، قتل در حین منازعه اشاره شده که بیانگر نوعی قتل خفیف‌تر و با سبق تصمیم نیست. ماده ۱ و ۲ این قانون به قتل از روی عصبانیت که به نظر می‌رسد که با توجه به ماده ۳ و ۴ که به قتل از روی تصادف اشاره کرده منظور همان قتل عمدی است. اما باید توجه داشت که عنصر ذهنی جرم مورد توجه قرار می‌گیرد، یعنی اینکه آیا عمدی بوده است یا سهل -

انگاری همین تمایز توسط یک شاهد در دادگاه انجام می‌شود. ماده ۳ و ۴ قانون نامه هیتی‌ها به قتل از روی تصادف اشاره کرده است که منظور همان قتل غیر عمدی است. از این رو در این قانون تفاوت بین قتل عمد و غیر عمد مطرح شده است.

از مواد باقی مانده از قانون نامه حمورابی در خصوص مبحث قتل عمد مقرر خاصی به چشم نمی‌خورد. با این وجود در ماده ۲۰۷ این قانون به واژه عمد اشاره شده است. ماده ۲۰۷ مقرر داشته: اگر کتک خورده در اثر شدت ضربات بمیرد، چنانچه کشنده سوگند بخورد که کارش عمدی نبوده و کشته شده، فرزند انسان آزادی باشد، ۳۰ شکل تاوان دهد (Roth, 1995: 38). بنابراین بر اساس این ماده اگر شخص سوگند نخورد که ضربات او غیر عمدی نبوده، قتل او عمدی است. اما اینکه مفهوم دقیق عمد در قانون نامه حمورابی در چه معنایی است روشن نیست. اما در ماده ۲۰۶ از سبق تصمیم یا قصد قبلی (نجفی‌ابرنادادی و بادامچی، ۱۳۹۴: ۲۲۱)، برای جرح استفاده کرده است. از این عبارت می‌توان برداشت کرد که اگر فردی با سبق تصمیم که همانا عمد در فعل و نتیجه است دیگری را بکشد قتل عمد تحقق یافته است.

۲-۲- هم‌کفو بودن

در زندگی ابتدایی به دلیل انحصار زندگی در احتیاجات روزمره و عدم وجود قدرتهای مرکزی و زندگی به نحو جمعی در صورت وقوع جرایم به مانند قتل، قبایل به نحو جمعی اقدام به اعمال مجازات می‌نمودند. اما با قدرت گرفتن قدرتهای مرکزی مجموعه قوانینی شکل گرفت. از این رو، برای جرایم مختلف نیز مقررات خاص معین شد. در خصوص اعمال مجازات‌ها با توجه به طبقه‌بندی اجتماعی جامعه آن زمان افراد از حقوق مساوی برخوردار نبودند. بر این اساس تفاوت معناداری بین افراد وجود داشت. در قانون نامه اور-نمو تفاوت بین برده و دیگر اشخاص تنها در خصوص ازدواج مطرح شده است. اما با توجه به رایج بودن بردگی و مواد مربوط به ازدواج در خصوص قصاص نیز برابری افراد در قتل برای اجرای قصاص ملاک بوده است. قانون لیبیت- ایشتر در خصوص هم‌کفو بودن یا طبقه‌بندی اجتماعی ساکت است. برخی بیان نموده‌اند، در قانون اشنونا تمایز طبقاتی در خصوص مجازات وجود ندارد (بادامچی، ۱۳۸۲: ۳۲۲). لیکن با توجه به

ماده ۲۳ قانون اشنونا در خصوص مرگ کنیز در حالی که دیگری او را حبس کرده است، مجازات کیفرمرگ را در نظر نگرفته است، از سویی در ماده ۲۴ کیفر مرگ برای مجازات قتل در نظر گرفته است. لذا براین اساس علت تفاوت این نگرش تنها، می‌تواند تمایز طبقاتی باشد. زیرا به کنیز اشاره مستقیم کرده است، نه افراد آزاد.

در قانون نامه حمورابی به نحو صریح در خصوص شرط هم‌کفو بودن و اجرای مجازات قصاص در مواد ۱۹۸ و ۲۰۰ و ۲۰۳ بیان شده است. از این رو، اگر شخصی از طبقه پایین‌تر از خودش را بکشد یا به‌عکس، مقررات قصاص اعمال نمی‌شود، بلکه تنها خسارت مالی پرداخت می‌شود. براین اساس، در قانون نامه حمورابی اصل تساوی افراد در مقابل قانون رعایت نشده است. ماده ۱۹۸ مقرر داشته: اگر کسی چشم شخصی از عوام را از بین ببرد تنها یک مینا نقره بدهد و مقررات قصاص اعمال نمی‌شود (رازانی، ۱۳۷۹: ۷۸). این مقرر در خصوص قتل نیز حاکم بود. در قانون هیتی‌ها در خصوص تساوی افراد در مقابل قانون با توجه به مواد این قانون نامه مانند ماده ۱۰ و ۱۱ که تفاوت بین برده و شخص آزاد را مطرح کرده است به نحوی که اگر پای مرد آزاد را بشکنند ۲۰ نقره خسارت مالی، اما اگر پای برده را بشکنند ۱۰ نقره که نصف پای مرد آزاد است باید پرداخت کند. ازسویی آنچه در خصوص مقررات قتل عمد که در مواد ابتدایی (مواد ۱ تا ۶) آمده است برای قصاص قاتل در خصوص آزاد یا برده بودن مقرر خاصی وجود دارد.

۴- مجازات‌های قتل عمد

جرم قتل و مجازات آن همواره در طول تاریخ فراز و نشیب‌های زیادی را طی کرده و تحولات گسترده‌ی را پشت‌سر گذاشته است. در برخی مواقع جرم قتل مستوجب شدیدترین مجازات بوده و در برخی مواقع تنها خسارت مالی یا حبس در نظر گرفته شده است. زمانی که برای اولین بار به قانون‌نامه‌های کهن توجه می‌شود همواره بحث قتل به دلیل اهمیت و حساسیت به آن، نقش-آفرینی می‌کند. به روشنی قابل درک است که در قوانین کهن به موضوع قتل و مجازات آن پرداخته‌اند. در ادامه مجازات‌های در نظر گرفته شده تمدن بین‌النهرین می‌پردازیم.

قصاص مجازاتی به مثل خود است اما نه دقیقا با همان شیوه. به دیگر سخن قصاص کیفری است که به جانی همان رنجی با همان ماهیت و شدتی که بر بزه‌دیده انجام داده، اعمال می‌نماید (Cardascia, 1979: 171). در خصوص بحث تاریخی که آیا مقررره کیفر مرگ برای قتل در نظر گرفته شده در ماهیت قصاص قابل گنجایش هست یا خیر؟ اختلاف نظر فاحشی وجود دارد. برخی کیفر مرگ را همان قصاص می‌دانند. مانند کلیما^۱ (Klima, 1956: 7)، هاس^۲ و کارداشیا^۳، اما برخی دیگر به این عقیده اعتقاد ندارد (نجفی‌ابرنآبادی و بادامچی، ۱۳۹۴: ۱۱۷). اما به نظر می‌رسد با توجه به ماهیت کیفر مرگ قصاص به مثابه اعدام یا نظایر آن ظاهر می‌شود.

در خصوص تقدم قصاص بر دیه، با توجه به متن قانون نامه اور-نمو که کیفر مرگ را در نظر گرفته، اگر کیفر مرگ را به مثابه قصاص در نظر بگیریم که در بالا نیز اشاره شد که ماهیت قصاص همان مقابله به مثل است، قصاص بر دیه مقدم است. زیرا ماده ۱ این قانون کشتن دیگری را مستحق کیفر مرگ می‌داند. اما اگر کیفر مرگ را به مثابه قصاص در نظر نگیریم دیه بر قصاص مقدم است. زیرا در قانون اشوننا در ماده ۲۳ غرامت در نظر گرفته است.

اما در خصوص قصاص و دیه در اعضا با توجه به متن قانون نامه‌ها، دیه بر قصاص مقدم است. زیرا در کهن‌ترین قانون نامه بشر (اور-نمو) در خصوص اعضای بدن خسارت مالی یا فدیة در نظر گرفته است (مواد ۱۸ و ۱۹ این قانون).

مطابق ماده ۲۴ قانون اشوننا که دو نوع قتل در نظر گرفته است که هر دو مستوجب دو نوع مجازات است. اگر شخص از عوام باشد مجازات اعدام (ماده ۲۴)، اما اگر شخص از برده‌گان باشد تنها شخص ملزم به تحویل کنیز است (ماده ۲۳). در قانون نامه اور-نمو در ماده ۱ مقرر گردیده اگر دیگری را بکشد کشته می‌شود. براین اساس مجازات قتل دیگری کیفر مرگ است.

1. Klima.
2. Haase.
3. Cardascia.

در بند ۱ و ۲ قانون لیبیت - ایشتار مقرر شده اگر کسی زنی را مضروب کند (بند ۱)، و اگر آن زن بمیرد مرد کشته خواهد شد (نجفی ابرندآبادی و بادامچی، ۱۳۹۴: ۸۱). براین اساس مجازات قتل عمد در این قانون نامه کیفر مرگ است.

در قانون نامه هیتی ها در خصوص حکم قتل مقرر داشته: اگر کسی مرتکب قتل شود، هرچه ولی دم بگوید همان است. اگر بگوید بمیرد کشته می شود و اگر بگوید فدیة بدهد، بایدجانی پرداخت کند (Hoffman, 1984: 52). اما از مواد قانونی این گونه استنباط می شود که در قانون هیتی - ها تنها در موادی که مقرر داشته کشتن دیگری را مستحق قصاص یا به نحو کلی کیفر مرگ ندانسته است و تفاوتی در مجازات بین قتل عمد و غیر عمد بیان کرده است. اگر قتل غیر عمد باشد دو نفر جایگزین قربانی می شود و اگر قتل عمد باشد چهار نفر جایگزین قربانی می شود. اما در اعضا تنها به مجازات مالی بسنده شده است. اما از طرفی در اعضای بدن در ماده ۷ به نحو صریح بین از بین بردن چشم دیگری از روی عمد و تصادف تفاوت قائل شده است. به نحوی که کور کردن چشم از روی عمد ۴۰ نقره و از روی تصادف ۲۰ نقره است. لذا در قانون نامه هیتی ها مجازات کیفر مرگ یا قصاص نه در نفس و اعضای پذیرفته نشده است. از این رو، در قانون هیتی ها گرایش به مجازات مالی است، در حالی که این قانون نسبت به قانون حمورابی جدیدتر است، اندیشه سزادهی در آن به ندرت مشاهده می شود و فدیة بر قصاص مقدم است.

از سوئی دیگر براساس منابع تاریخی برای مجازات قتل با سبق تصمیم (قتل عمد) در محاکمه قتل شهر نیپور گزارش شده است (به نقل از نجفی ابرندآبادی و بادامچی، ۱۳۹۴: ۱۷۷؛ Jacobsen, 1970: 195)، مجازات آن کیفر مرگ است.

در مورد قتل نفس از قانون حمورابی چنین استنباط می شود که در سنت، قصاص خون مقتول بر عهدهی وارث یا نزدیک ترین خویشاوند است نه دولت و علاوه بر این انتقام گیرنده در دیدهی قانون بی گناه شناخته می شود (حیدری و خاکسارآرانی، ۱۳۹۳: ۱۲۶). با توجه به این که قصاص به مثل و قصاص عضو هم در قانون حمورابی وجود دارد برخی عنوان داشته اند: کیفر قصاص در زمان حمورابی اگرچه بی رحمانه به نظر می رسد، اما می توانست پیشرفتی در نظریه ی حقوق تلقی شود.

در این دوره قصاص توسط دولت مطالبه می‌شد نه از طرف زخم خورده. در حالی که قبل از این قانون، چنین جرایم و مجازات‌هایی جنبه‌ی اجتماعی نداشت (افراسیابی، ۱۳۸۱: ۵۹) در قانون حمورابی اصل قصاص در موردی که شخص آسیب‌دیده از طبقه بالای جامعه باشد، اجرا می‌شود اما اگر شخص از طبقه‌ی پایین یا از بردگان باشد مجرم تنها به پرداخت جریمه مالی محکوم می‌شود. بنابراین آنچه از این امر قابل برداشت است، اصل عدم تساوی افراد در مقابل قانون است. بدین معنا که در مقررات حمورابی تنها قصاص افراد هم‌رتبه یا هم‌کفو ممکن است و در غیر این صورت قصاص مبدل به جزای نقدی می‌شود. مطابق ماده ۲۱۴ اگر برده باشد مجازات قصاص اعمال نمی‌شود. بنابراین مجازات اعدام برای قاتل یک برده یا کنیز اعمال نمی‌شد همین دلیلی است بر نقض تساوی اعمال مجازات‌ها در قانون نامه حمورابی. از سوئی دیگر قانون حمورابی به صراحت به قتل عمد نپرداخته است. فقط در چند مورد قتل در حکم عمد فرض شده است و مجازات قاتل را مرگ می‌داند (حیدری و خاکسارآرانی، ۱۳۹۳: ۱۳۶). ماده ۱۹۶ (چشم در برابر چشم) و ماده ۱۹۷ (شکستن استخوان در مقابل استخوان) مجازات قصاص را در خصوص اعضای بدن پذیرفته‌اند (رازانی، ۱۳۷۹: ۷۷)، اما در خصوص مجازات قتل عمد ماده خاصی بیان نشده است. از این رو با توجه به پذیرش قصاص در عضو، قصاص در نفس نیز فرض گرفته می‌شود. عدم پیش‌بینی این جرائم ناشی از سهل‌انگاری نیست؛ بلکه نشان می‌دهد ضمانت اجرای (مجازات) آنها در قالب عرف و عادت، معین و اجرا می‌شده است. آنجا که فرض بر این بوده که مردم و قضات، از این ضمانت اجرا آگاه هستند، بنابراین درج آن به صورت مکتوب بی‌فایده می‌نموده است (سلیمانی و رضایی‌راد، ۱۳۹۲: ۳۸-۳۷). بنابراین در قانون حمورابی مجازات قتل عمد مستوجب قصاص است. اما نکته دیگری که در قانون حمورابی حائز اهمیت است مطرح کردن انواع دیگری از قتل است که مجازات خاصی نیز برای آن پیش‌بینی نموده است. در ماده ۱۱۵ مقرر گردیده، اگر کسی دیگری را به گروگان بگیرد و او بر اثر کتک یا بد رفتاری بمیرد، اگر شخص کشته شده پسر باشد، پسر جانی کشته می‌شود و اگر برده باشد تنها جریمه مالی پرداخت می‌شود. ماده ۱۵۳ نیز قتل شوهر توسط زن را برای مردی دیگر، مستحق کیفر مرگ با شیوه به میخ کشیدن دانسته است. به علاوه در ماده ۱ قانون نامه حمورابی اگر کسی دیگری را در معرض اتهام قتل قرار دهد، با این وجود نتواند آن را

اثبات نماید، به کیفر مرگ محکوم می‌شود (بادامچی، ۱۳۷۹: ۸۹). بر این اساس قانون حمورابی برای اولین بار در طول حیات بشر به صورت صریح و مدون فلسفه قصاص و انواع قتل با کیفر مرگ را وارد حقوق کیفری کرده است هر چند که اگر کیفر مرگ را به مثابه قصاص در نظر بگیریم سابقه قصاص به قانون اور-نمو بر می‌گردد. نکته دیگری که در این قانون‌نامه‌ها حائز اهمیت است این است که تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد و از حقوق مساوی برخوردار هستند.

۲-۴. فدیة

در قانون‌نامه حمورابی در خصوص ضرب و جرح غیر عمدی که منجر به فوت شخص شود به دلیل عمدی نبودن، مقررات قصاص اعمال نمی‌شود. بلکه در این حالت مطابق ماده ۲۰۷ خسارت مالی پرداخت می‌شود (King, 1915: 26). اما در خصوص قتل عمد تنها مقررات قصاص اعمال می‌شود، اما در خصوص ماده ۲۱۰ مقررہ خاصی بیان شده است به نحوی که در این ماده مجازات انتقالی^۱ کیفر مرگ صورت می‌گیرد. زیرا این ماده مقرر داشته درحالی‌که اگر کسی زنی را بزند و آن زن کشته شود، مجازات کیفر قتل (مرگ) بر او اعمال نمی‌شود، بلکه دختر آن شخص کشته می‌شود. از این رو، در قانون‌نامه حمورابی مقررات قصاص تنها در خصوص قتل عمد اعمال و فدیة یا خسارت مالی نیز تنها در قتل غیر عمدی و در جای‌که مرد آزاد برده (ماده ۲۱۴) را بکشد اعمال می‌شود. در مواد ۲۲۹ تا ۲۳۱ نیز یک نوع قتل شبه عمدی بر اساس مسئولیت به تقصیر را مطرح کرده است. چراییکه ماده ۲۲۹ مقرر داشته که اگر معمار خانه را بسازد ولی آن خانه فرو بریزد (سهل‌انگاری در ساخت یا مسئولیت به تقصیر). در این حالت معمار کشته می‌شود (ماده ۲۲۹) و اگر فرزندی از آن صاحبخانه کشته شود، فرزندی از معمار کشته می‌شود (ماده ۲۳۰) و در ماده ۲۳۱ بیان داشته اگر برده‌ی از صاحبخانه بر اثر این امر کشته شود، باید برده‌ی به صاحبخانه بدهد. بنابراین انگاشته می‌شود که علاوه بر مجازات قصاص و خسارت مالی، الزام به دادن برده و

۱. مجازات انتقالی یا انتقام انتقالی برای نخستین بار در قانون حمورابی آمده است. مانند (مواد ۱۱۶ و ۲۲۹ قانون‌نامه حمورابی).

مجازات به فرزندان نیز سرایت می‌کند. در قانون اشنونا و قانون لیپیت - ایشتار در خصوص پرداخت فدیة مقررہ خاصی وجود ندارد.

در قانون هیتی‌ها با توجه به مواد ابتدای آن، مجازات قتل عمد و غیرعمد به ترتیب جایگزین نمودن دو و چهار برده به جای قربانی است. ماده ۵ نیز قتل بازرگان را مسحق کشتن ندانسته است، بلکه باید تاوان مالی پرداخت کند. دردیگر مواد به مانند ماده ۷ و ۸ نیز مقررات در خصوص پرداخت خسارت مالی به جای قصاص عضو پذیرش شده است (Goetze, 1969: 190). در ماده ۴۰ مقررہ خاصی در خصوص فردی که دیگری را درآتش بیافکند و او بمیرد بیان نموده که مجازات آن تسلیم پسر به خانواده مقتول است. از این رو نوع کشتن دیگری در مجازات قتل در قانون نامه هیتی‌ها اثرگذار است و موجب تغییر مجازات از جبران خسارت به بردگی می‌شود.



از میان تمدن بشری تمدن بین‌النهرین به دلیل برخی ویژگی‌های خاص مانند تدوین مجموعه قوانین مدنی و کیفری مدون با جرم‌انگاری جرایم و تعیین مجازات با اهمیت است. با این وجود، در دوران قبل از تمدن بین‌النهرین در طول حیات بشری همواره تعدی‌ها لزوماً با جنگ و نزاع‌های قومی قبیله‌ای همراه بوده است. اما با پیشرفت جامعه بشری و توسعه روابط انسانی و از همه مهم‌تر شکل‌گیری داد و ستد و پایدار شدن اصل ارزش‌گذاری رفته رفته موجب شکل‌گیری قانون‌نامه‌ای گردید. این قانون‌نامه‌ها برای اولین بار در طول حیات بشری رابطه بین انسان‌ها یا تعاملات اجتماعی را دگرگون نمودند. در این قانون‌نامه‌ها مقرراتی برای حفظ حقوق یا روابط اجتماعی یا تعاملات روزمره انسان‌ها با یکدیگر معین گردید. از سوی دیگر جرایم با مجازات‌های آنان معین و برای اولین بار رابطه بین جرم و مجازات پدیدار شد. این نوشتار به جرم قتل عمد در این قانون‌نامه‌ها که از اهمیت حیاتی برخوردار است پرداخته است. زیرا حق حیات از مهم‌ترین حقوق انسان‌هاست. از این رو، در این قانون‌نامه‌ها قتل عمد همواره مورد توجه بوده است. بنابراین در ابتدا در شکل‌گیری جامعه مدنی برای مقابله با این جرم کیفر مرگ مقرر شد (ماده ۱ قانون اور-نمو و ماده ۲۴ قانون اشنونا). لذا در ابتدا کیفر مرگ بر دیه مقدم بوده است. در قانون‌نامه حمورابی که از مهم‌ترین این قوانین است مقررات جدیدی اضافه شد. اصل ساده اما در عین حال قصاص مهم معین گردید. چرا که بر اساس رابطه منطقی بین جرم و مجازات آن تناسب وجود داشت. اما رفته رفته با توسعه جامعه مدنی و قدرت گرفتن دولت‌ها و پیرنگ‌تر شدن اصل ارزش‌گذاری و رابطه داد و ستد، خسارت مالی یا فدیة نیر به عنوان مجازات قتل عمد معین شد. از طرفی اصل تساوی در مقابل قانون را به دلیل طبقه‌بندی افراد نقض نمود. و از سوئی دیگر حق اجرای مجازات را به خانواده مقتول سپرد. شکل‌گیری قانون قصاص آنچنان با اهمیت است که تا مدت‌ها حتی در عصر کنونی اجرا می‌شود. بی‌شک اعمال مجازات قصاص به دلیل تساوی انسان‌ها در برابر هم موجب گردید که این رابطه بین قتل و قصاص یعنی اگر دیگری را به قتل برساند به دلیل همین تساوی افراد در برابر قانون قصاص اعمال می‌شود. از طرفی با محکم‌تر شدن اصول پیشین (رابطه داد و ستد و ارزش‌گذاری) و گرایش انسان به مسائل مادی موجب شد در کنار

قصاص فدیة تثبیت شود. از این رو فدیة در قانون هیتی‌ها به طور کلی به عنوان مجازات اصلی در نظر گرفته شد. خسارت مالی یا دیة در عصر کنونی به عنوان یکی از مهم‌ترین مجازات‌های قتل است. با این وجود در تمدن بین‌النهرین مجازات حبس در نظر گرفته نشده است. به نظر می‌رسد علت این امر نیز عدم وجود حق عمومی برای جامعه باشد. چرا که امروزه علاوه بر پذیرش قصاص در برخی کشورها و پذیرش خسارت مالی و در کنار آنها پذیرش مجازات حبس از جهت اعاده نظم عمومی در اغلب کشورهای دنیا پذیرفته شده است.

منابع و مأخذ:

الف - منابع فارسی:

۱. اکبری، جهاندار؛ و آشوری، محمد؛ و اردبیلی، محمدعلی؛ و صبوری، علی، (۱۳۹۹)، «فلسفه سلب حیات با نگاهی بر حقوق کیفری ایران»، پژوهش حقوق کیفری، ۸ (۳۰)، ۴۱-۹.
۲. اشرفی، ارسلان؛ و ایروانیان، امیر، (۱۳۹۷)، «اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری در حقوق بین‌النهرین باستان و ادیان الهی خاور نزدیک»، فصلنامه قضاوت، ۲ (۹۴)، ۱۷۲-۱۳۹.
۳. افراسیابی، ص، (۱۳۸۱)، مطالعه‌ی تطبیقی مجازات‌ها در ادیان یهود، زرتشت و اسلام، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.
۴. ازدجینی، آذین، (۱۳۹۵)، جرم در بین‌النهرین باستان، کنفرانس بین‌المللی شرق‌شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی، ارمنستان: دانشگاه دولتی ایروان ارمنستان با همکاری موسسه سفیران فرهنگی مبین.
۵. امین، سیدحسین، (۱۳۸۲)، تاریخ حقوق ایران، تهران: انتشارات دایره المعارف ایران‌شناسی.
۶. بادامچی، حسین، (۱۳۸۲)، آغاز قانون‌گذاری، تاریخ حقوق بین‌النهرین باستان، تهران: نشر طرح نو، چاپ اول.
۷. بادامچی، حسین، (۱۳۷۹)، «قتل در قوانین باستانی: بحثی در تاریخ حقوق»، مجله حقوقی دادگستری، ۵ (۳۳)، ۸۷-۹۶.
۸. بروکس، تام، (۱۳۹۵)، مجازات، مترجم: کاظم‌نظری، محمدعلی، تهران: نشر میزان.
۹. صبوری‌پور، مهدی؛ و خلیل‌زاده، ایرج، (۱۳۹۷)، «قانون جزای عرفی و نقش آن در شکل‌گیری حقوق کیفری ایران»، پژوهش حقوق کیفری، ۷ (۲۴)، ۲۲۵-۲۵۵.
۱۰. دورانت، ویل، (۱۳۷۸)، تاریخ تمدن، جلد اول، (مترجمان: احمدبطحائی، احمد آرام، امیرحسین آریان‌پور، حمید عنایت، ابوطالب صارمی، علی اصغر سروش، ابوالقاسم پاینده، ابوالقاسم طاهری، سهیل آذری، پرویز مرزبان، پرویز داریوش، اسماعیل دولت‌شاهی، ضیال‌الدین

طباطبائی و علی اصغر بهرام بیگی)، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، نسخه الکترونیکی، ویرایش دوم، چاپ ششم.

۱۱. داس، مارتا. ت، (۱۳۸۰)، «قوانین اشنونا یادگار حقوقدانان باستانی»، مجله حقوقی دادگستری، ترجمه: حسین بادامچی، ۷(۳۷)، ۱۰۰-۸۲.

۱۲. رازانی، بهمن، (۱۳۷۹)، «قانون نامه حمورابی»، ماهنامه دادرسی، ۴(۲۰)، ۸۱-۷۶.

۱۳. سلیمانی، بتول؛ و رضایی راد، عبدالحسین، (۱۳۹۲)، «ریشه یابی قاعده‌ی مقابله به مثل (قصاص) در قوانین ایران باستان»، فصلنامه فقه و تاریخ تمدن، ۲(۳۶)، ۵۰-۳۳.

۱۴. حیدری، حسین؛ و خاکسارآرانی، جنت، (۱۳۹۳)، «مطالعه تطبیقی مقررات کیفری عبرانی و حمورابی»، پژوهش حقوق کیفری، ۳(۸)، ۱۴۳-۱۱۵.

۱۵. فرج زاده، ا، (۱۳۹۴)، تأثیرگذارترین عناصر بین‌النهرین در تمدن هخامنشیان (قانون، حکومت و دین)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، تهران، ایران.

۱۶. میرمحمدصادقی، حسین، (۱۳۹۸)، حقوق کیفری اختصاصی (جرایم علیه اشخاص)، جلد اول، تهران: نشر میزان، چاپ بیست و هفتم.

۱۷. میلانی، علیرضا، (۱۳۸۷)، «اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها در بستر تاریخ»، مجله حقوقی دادگستری، ۹(۶۳-۶۲)، ۱۸۰-۱۵۷.

۱۸. مجلسی، محمدباقر، (۱۳۶۲)، بحار الانوار، جلد یازدهم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم.

۱۹. منتسکیو، بارون دو، (۱۳۹۱)، روح القوانین (نسخه الکترونیکی)، جلد اول، کتاب ششم، ترجمه: علی اکبر مهتدی، تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ دهم.

۲۰. نجفی ابرندآبادی، حسین؛ و بادامچی، حسین، (۱۳۹۴)، تاریخ حقوق کیفری بین‌النهرین، تهران: نشر سمت، چاپ دوم.

۲۱. نجفی ابرندآبادی، حسین، (۱۳۹۵)، تاریخ حقوق کیفری، دانشگاه شهید بهشتی، ویرایش دوم.

۲۲. هالوی، گابریل، (۱۳۹۳)، کیف‌دهی آموزه‌های مدرن، ترجمه: علی شجاعی، تهران: انتشارات دادگستر، چاپ اول.

ب- منابع لاتین:

23. Ashworth, Andrew and Horder, Jeremy (2013). Principles of criminal law, 7th Ed, Oxford University Press.

24. Cardascia, G (1979). La Place du talio dans l'histoire du droit penal a la lumiere des droits du proche-orient ancien, in Melanges offert a Jean Dauvillier. Toulouse, 169-183.

25. Meier Tetlow, Elisabeth (2004). Women, Crime & Punishment in Ancient Law & Society. Vol.I: The Ancient near East, USA. NY.

26. Mieroop, Marc van (2007). King Hammurabi of Babylon, (3rd Ed), Oxford, Blackwell publishing.

27. Yaron, Reuven (1998). The laws of Eshnunna, 2nd.

28. Finkelstein, Jacob Joel (1961). Ammi-saduqas Edict and the Babylonian law Codes, 15 JCS.

29. Ellickson, Robert c' Thorland, Charles DiA (1995). Ancient Land Law: Mesopotamia, Egypt, Israel, Symposium on Ancient Law, Volume 71, Issue 1, Pp 328-408.

30. Roth, Martha T (1995). Law Collections from Mesopotamia and Asia Minor, Volume editor: Piotr Michalowski, Scholars Press. Atlanta, Georgia.

31. Roth, Martha T (1995). Mesopotamian Legal Traditions and the Laws of Hammurabi, Chicago-Kent Law Review, Volume 71, pp 13-40.

32. Goetze, Albrecht 1969 "The Hittite Laws." In ancients Near Eastern Texts Relating to the Old Testament, 188-197. Princeton, NJ: Princeton University Press.

33. Hoffman, I (1984). Der Erlass Telipinus, Heidelberg.

34. Klima, s (1956). Intorno al Principio Del Taglione, Studi in onore Pietro de Francisci.

35. King. L.W (1915). The Code of Hammurabi, Paulo J. S. Pereira.

36. Jacobsen, T (1970). An Ancient Mesopotamian Trial for Homicide, in Towards the Image of Harvard Semitic Series, Volume. 21, Cambridge Mass. Pp 193-214.

37. Westbrook, R. (2003). The Character of Ancient Near Eastern Law, History of Ancient Near Eastern Law, 2 vols, Leiden: E.J. Brill, 1-92.

38. Westbrook, R (1988). Revenge, Ransom, Talio, in studies Biblical and Cuneiform Law, Cahiers de la Revue Biblique 26. Paris, Gabalda, 39-83.

39. Wilcke, C (2007). Early Ancient Near Eastern Law, 2nd, edition History of Its Beginnings.

40. Yildiz, F (1981). A Tablet of Codex Ur-Nammu from Sippar, Orientalia, 87-97.

Criminal Reaction to Intentional Homicide in Mesopotamian Civilization

Hamid Alizadeh¹

Abstract

Mesopotamian civilization is the most important codified civilization known to man. In this ancient civilization, with the expansion of civil society in order to maintain government and social order, a collection of codified laws was formulated for the first time during human life. In these laws, a set of crimes with special punishments was determined. The Intentional homicide of another person with the death penalty, which was one of the most important and fundamental crimes, formed for the first time a special relationship between the victim, the crime and the offender. Because it was based on revenge and compatibility with human nature. At the beginning of the murder regulations, the death penalty and then the punishment of retribution is determined as a main punishment for this crime. However, with the emergence of social relations and the establishment of an institution as a principle of valuation, the formation of trade, ie the relationship between debtor and creditor, the law of financial loss or ransom entered the collection of criminal laws. Although there are differences of opinion on the precedence and latency of the two. Therefore, the first punishment for Intentional homicide, death penalty, retribution and then ransom was imposed, although there is a difference of opinion on the precedence and recency of these two. These laws suffer from fundamental inadequacies and discrimination, but because they are one of the first human laws, they are considered a major improvement in legislation. Therefore, in this article, we examine the punishment of Intentional homicide - which is one of the most important and challenging crimes of humanity not only in the past, but also in today's society in Mesopotamian civilization.

Keywords: *Punishment, Intentional homicide, Retribution, Ransom, Legislation, Mesopotamian Civilizations.*

1. Urmia University, (Email: ha.alizadeh@urmia.ac.ir)

ابعاد و کاربردهای دانشنامه‌ای مقاله

